## پیشخوان

**هنگامی که آل‌احمد به روایت عموسام می‌نشیند!**

### او در «ماندن» احساس پوسیدگی می‌کرد!

**محمدرضا کائینی**

روزهایی که بر ما گذشت، نشان از سالروز درگذشت زنده‌یاد جلال آل‌احمد داشت، از این‌رو معرفی یکی از واپسین آثار منتشره از وی، بهنگام می‌نماید. «سفر امریکا»ی آقای نویسنده، حاوی یادداشت‌های او از سیاحت در این دیار است که زیر نظر زنده‌یاد شمس آل احمد و به کوشش و ویراست مصطفی زمانی‌نیا، توسط نشر فردوس نشر یافته است. ویراستار در دیباچه این اثر، اشاراتی به شرح ذیل دارد: «جلال آل‌احمد از آن مردان یگانه‌ای بوده که با رکود و سکون میانه‌ای ندارند. مردان پوینده‌ای که روح بی‌تابشان، مجال نمی‌دهد در یکجا دوام بیاورند و طبع بی‌قرارشان، اجازه نمی‌دهد به جغرافیای محیط کار و زندگی‌شان چنان انس بگیرند که مگر به اجبار زمانه، چند صباحی ترک کاشانه کنند. آل‌احمد، در ماندن، احساس پوسیدگی می‌کرده و ذات جست‌وجوگر، خوی سرکش و ذهن عطشناکش، او را مدام به این سو و آن سو روانه می‌کرده، تا در آن رفت و آمدها، از ملال و حرمانش بکاهد، حال و هوایش را عوض کند، به آرامشی نسبی و موقتی دست یابد و سرانجام پاسخ‌های درخور و شایسته‌ای، برای پرسش‌های اساسی بیابد... سال‌ها مبارزه پرمخاطره سیاسی، سال‌ها جد و جهد جانکاه فرهنگی و ادبی، تحمل فشارهای سیاسی و بی‌انقطاع حکومت، ضربات پیاپی سانسور، حلقه محاصره هر دم تنگ‌تر شونده ساواک، شکست‌های ناخواسته و بن‌بست‌های تحمیلی، به مرور ایام، آل‌احمد را مردی تندخو، تلخ‌زبان و بی‌پروای ملاحظه اغیار بار آورده و کار را به آنجا رسانده که اوایل سفر، در شرایطی که قریب به دو هفته از شروع مسافرتش می‌گذرد، وقتی با

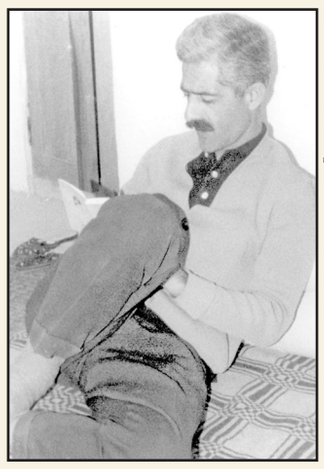

دهه ۴۰، زنده‌یاد جلال آل احمد، مشغول به کار نگارش در منزل پدری

خودش خلوت می‌کند و عملکردش را در بوته نقد می‌گذارد، از اینکه در ۱۵ روز اخیر جوش نیاورده و با مخاطبانش مشاجره نکرده، متعجب می‌شود! آل‌احمد در این کتاب نظرات تند و صریحی، درباره حکومت شاهنشاهی ابراز می‌دارد و این نیش گزنده قلم او در انتقاد از اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی ایران در دهه ۴۰، باعث می‌شود نتواند در آن ایام این کتاب را چاپ کند...».

شرایط جلال در این سفر نیز از جمله نکاتی است که ویرایشگر آن را فرو نمی‌نهد: «در مراحل مختلف سفر، آل‌احمد همواره در حال شمارش پول‌های اندکی است که همراه آورده و پیوسته نگران بی‌پولی و مدام مراقب مهار هزینه‌ها و پرداخت‌های نقدی است. درست است که جلال دلشوره بی‌پولی و تهی بودن جیبش را دارد، اما عزت نفسش را از دست نمی‌دهد و به هیچ وجه دلش نمی‌خواهد، سربار دوستان و آشنایانش شود. حتی در مواقعی که مهمان رفقا و یاران است و آنها نمی‌گذارند تا آل‌احمد دست در جیبش کند، احساس خوشایندی ندارد و معذب است...».

این مقدمه در پایان خود، درباره نسخه دستنویس این دفتر، چنین آورده است: «متن کتاب به صورت دستنویس است و کلمات و جملات، روی اوراق دفترهای تحریر چهار سوراخه، مخصوص کلاسور، نوشته شده‌اند. قطع برگه‌های سفرنامه، به اصطلاح اهل فن، خشتی، در ابعاد ۱۸*۲۳ سانتیمتر است. کاغذها خط دارند و جلال آل‌احمد، در نگارش کتابش، نهایت صرفه‌جویی را کرده و از تک‌تک سطرهای نازک ورقه‌ها سود برده و تقریباً فضای سفید باقی نگذاشته است. نسخه دستنویس، ۱۷۱ صفحه است و آل‌احمد بالای تک‌تک صفحات را با خط خودش شماره‌گذاری کرده است. همه برگه‌ها در نهایت سلیقه و پاکیزگی نوشته شده‌اند و به ندرت خط‌خوردگی دارند و مسلم است که نویسنده، جرح و تعدیل و حک و اصلاحش را روی ورق‌های دیگری انجام داده و متن موجود، از نظر او، نسخه پاکنویس شده، نسخه نهایی و نسخه آماده تحویل به حروفچینی بوده است...».

زنده‌یاد بانو شهلا حبیبی

**واقعیت این بود که خط قرمز خانم حبیبی، حفظ نظام جمهوری اسلامی و ولایت فقیه بود. به همین دلیل نیز در سال ۸۸، از دوستان قدیمش جدا شد و پای نظام، رهبری و مواضع انقلابی خویش ایستاد! حتی در سال‌های بعد، هنگامی که او از سوی مرتبطان پیشین خود، با انواع بی‌مهری‌ها مواجه شد، دست از اعتقاد و باورهایش نکشید و در مقابل درشت گویی و زخم زبان‌ها و حتی کارشکنی‌های آنها در ارتباط با شبکه ارتباطی سازمان‌های غیردولتی زنان، به تلخی سکوت و صبر پیشه کرد!**

بانویی کارگزار که نام و خدماتش در حجاب سیاسی‌کاری مانده است

# دفاع محکم از نظام و رهبری در غبار فتنه ۸۸

**انوشه میرمرعشی**

**یکی از بانوانی که در سه دهه اول عمر نظام جمهوری اسلامی، خدمات شایانی به نظام و زنان ایران کرد، مرحومه «شهلا حبیبی» بود. ایشان در سال ۱۳۳۷.ش در شهر کرمانشاه به دنیا آمده و نخستین مشاور رئیس‌جمهور در امور زنان و اولین رئیس دفتر امور زنان قوه مجریه، در نظام جمهوری اسلامی بود. فعالیت‌در زمینه رفع مشکلات حقوقی زنان، در حوزه‌های اجتماعی -سیاسی و حتی مسائل حقوق زن در خانواده، متشکل کردن سازمان‌های غیردولتی زنان و دفاع جانانه ایشان از مواضع جمهوری اسلامی درباره حقوق بانوان در سطح بین‌الملل، از جمله اقدامات ماندگار ایشان، در تاریخ نظام جمهوری اسلامی است. در این مقال سعی شده است با مروری بر مواضع و فعالیت‌های مرحوم شهلا حبیبی، تقدیری کوچک از خدمات ارزنده او داشته باشیم. امید آنکه تاریخ‌پژوهان انقلاب اسلامی و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول افتد.**

**گریه بر مظلومیت سید شهیدان انقلاب اسلامی**

خانم حبیبی سال دوم دانشگاه بود که انقلاب اسلامی ایران پیروز شد. از دوره دانشجویی و در جریان پیروزی انقلاب، با آیت‌الله شهید دکتر سیدمحمد حسینی بهشتی آشنا شد و بعد از تشکیل حزب جمهوری اسلامی، همکاری خود را با بخش بانوان این حزب آغاز کرد. سال ۸۳ که نگارنده این متن با خانم حبیبی در مجله «سبا» همکاری می‌کردم، مقاله‌ای درباره مظلومیت شهید بهشتی، به مناسبت هفتم تیر و سالروز شهادت ایشان نوشته بودم. قبل از صفحه‌بندی آن شماره، خانم حبیبی خواستند مقاله را برایشان بخوانم. وقتی به قسمت شعارهایی که طرفداران بنی صدر علیه شهید بهشتی می‌دادند، رسیدم، خانم حبیبی به گریه افتادند و اشک بی‌امان از چشمانشان سرازیر شد! گویا خاطراتی از آن دوران، برایشان زنده شده بود. با اینکه از آن روزها ۲۲ سال می‌گذشت، ولی انگار آن اتفاقات دیروز افتاده بود. برایم تعریف کرد که یک‌بار در مراسمی در دانشگاه، طرفداران بنی صدر جلوی چشم دانشجویان مسلمان و انقلابی، چه فحش‌ها که به شهید بهشتی نداده بودند، چه تهمت‌ها که به او نزده بودند... هنوز دلش بعد از دو دهه، از آن رفتارها و تهمت‌هایی که به شهید بهشتی زده بودند، می‌سوخت.

**اولین رئیس دفتر امور زنان قوه مجریه**

بعد از انتخاب حجت‌الاسلام اکبر هاشمی رفسنجانی به عنوان رئیس‌جمهور اسلامی، ایشان خانم شهلا حبیبی را که در سال‌های فعالیت در بخش «حزب جمهوری اسلامی» کارآمدی خود را نشان داده بود، به سمت مشاور رئیس‌جمهور در امور زنان انتخاب کرد. در سال ۱۳۶۸.ش مسئولان وزارت کشور برای انسجام و ساماندهی فعالیت‌ها و مسائل زنان در جامعه، دفتری را در این وزارتخانه تأسیس کردند. بعد از آن و در سال ۱۳۶۹.ش کمیسیون‌های امور بانوان در سراسر کشور شکل گرفت. یک‌سال بعد از آن نیز به پیشنهاد رئیس‌جمهور وقت [حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی]، تشکیل دفتر امور زنان زیر نظر نهاد ریاست جمهوری، در شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب و ریاست اولین دفتر امور زنان ریاست جمهوری، به خانم حبیبی سپرده شد. وظایف این دفتر براساس قانون مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، به شرح زیر بود:

۱- بررسی وضعیت زنان در ابعاد مختلف و تشخیص خلأهای موجود

۲- شناسایی و تعیین راه‌های بهبود وضعیت زنان، به منظور ارائه پیشنهادات لازم به دولت و مجلس

۳- تلاش و هماهنگی جهت اعمال مباحث زنان، در تهیه و تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه و پیگیری میزان و نحوه تأثیر آن در رفع و کاهش مشکلات زنان

۴- تدوین و نظارت بر اجرای برنامه عمل ملی، برای زنان در سطح کشور

۵- ایجاد و گسترش ارتباط با مراکز دولتی و غیردولتی زنان در کشور و جهان

۶- تبیین، تجلیل و معرفی زن مسلمان در داخل و خارج از کشور

۷- بررسی مشکلات و رسیدگی به شکایات بانوان[1]

از آنجا که خانم حبیبی به معنای واقعی کلمه، دغدغه مسائل زنان را داشت، برای تحقق این اهداف و وظایفی که در دفتر امور زنان به عهده گرفته بود، تلاشی مداوم و خستگی ناپذیر را آغاز کرد. ایشان با دعوت از بانوان پژوهشگر و فعال در عرصه رسانه، تلاش کرد تا مشکلات زنان ایران زمین را شناسایی کند. اما جالب است که سعی می‌کرد مسئولیت کار را به بانوانی بدهد که به لحاظ اعتقادی، افرادی مؤمن و مقید و به جهت روحیه سیاسی، انقلابی باشند. برای دفاع از حقوق زنان در عرصه اجتماع و سیاست، ملاکش نگاه و سخنان امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری بود. البته برخی از متحجرین برای مقابله با اقدامات ایشان، صفت «فمینیسم اسلامی» را نثارش می‌کردند، ولی خانم حبیبی براساس ملاک‌های اعتقادی عمل می‌کرد و اهمیتی به گفته‌های آنها نمی‌داد.

**اجلاس پکن و دفاع از زنان متدین جهان**

دو بند از وظایف دفتر امور زنان، به گسترش ارتباطات بین‌المللی و معرفی زن مسلمان ایرانی، به سایر زنان جهان مربوط می‌شد. به همین دلیل وقتی زمان برگزاری چهارمین کنفرانس جهانی زن - که قرار بود در سال ۱۳۷۴.ش (۱۹۹۵.م) در پکن برگزار شود- نزدیک می‌شد، تصمیم به شرکت در این اجلاس را گرفت. خانم معصومه طاهری [کارشناس امور بین‌الملل] که از همکاران و دوستان خانم حبیبی بود، درباره مقدمات شرکت در کنفرانس پکن می‌گوید:

«خانم حبیبی در سال ۷۲ نامه‌ای به آقای گالیندوپل، نماینده کمیسیون حقوق سازمان ملل - که به‌عنوان گزارشگر ویژه به ایران آمده بود- نوشتند و مباحثی را در خصوص زنان و نگاه انقلاب اسلامی به جایگاه آنان، مطرح کردند. نگاه بین‌المللی ایشان در همین نامه، مشخص است... این در حالی است که همان زمان، انتقاداتی به سند پکن وارد می‌شد و عده‌ای معتقد بودند اصلاً نباید در مجامع بین‌المللی شرکت کنیم و عده‌ای دیگر می‌خواستند در این مجامع شرکت کنیم، اما نگاه تابع و منفعلی داشته باشیم. هنوز هم این نگاه‌ها وجود دارد، اما در آن زمان بسیار پررنگ بود. نگاه امام خمینی هم اینگونه بود که در مجامع بین‌المللی، نباید یک صندلی جمهوری اسلامی خالی باشد و باید حرف خودمان را بزنیم و با دلیل و منطق، دیگران را متقاعد کنیم. همچنین مطرح شد در مواردی که اسناد این کنفرانس‌ها، با دیدگاه جمهوری اسلامی مغایرت دارد، می‌توانیم حق شرط بگذاریم...».[2]

به هرحال خانم حبیبی به همراه آیت‌الله تسخیری - که به عنوان مشاور مذهبی همراهشان بودند- با یک هیئت پر تعداد از بانوان فعال در سازمان‌های غیردولتی، در اجلاس پکن شرکت کردند. در آن زمان مجامع بین‌المللی، درصدد تصویب قانون مجاز شدن سقط جنین بودند. خانم حبیبی به عنوان نماینده نظام جمهوری اسلامی، با مذاکراتی که با نماینده برخی کشورهای اسلامی حاضر در اجلاس پکن کرد و همچنین با لابی‌هایی که با نماینده کلیساها در این زمینه انجام داد، توانست یک جبهه اعتقادی از موحدین جهان را در آن کنفرانس علیه جریان حامی آزادی سقط جنین ایجاد و در برابر این اراده، مقاومت کند.[3]

**سازمان‌های غیردولتی زنان را فرصت می‌دانست**

ایشان پس از اتمام دوره مسئولیت خود در دولت، وارد حیطه سازماندهی شبکه سازمان‌های غیردولتی بانوان شد و حدود هزار سازمان غیر دولتی زنان را متشکل کرد. عمده این سازمان‌های غیردولتی، خیریه‌هایی بودند که بانوان برای خدمت‌رسانی به محرومین، آن را ایجاد کرده بودند. جالب است که ایشان از خیریه‌های بانوان اقلیت‌های مذهبی [زرتشتی، کلیمی و مسیحی] نیز غافل نبود و آنها را هم جذب کرده بود! برخلاف این که برخی از افراد، این سازمان‌های غیردولتی (NGO) را نوعی خطر و تهدید می‌دانستند، ایشان این سازمان‌ها را فرصت و ظرفیتی مهم برای آبادانی ایران اسلامی می‌دانست. خانم حبیبی تلاش می‌کرد بین NGOها، وحدت ایجاد کند. خانم حبیبی اهدافش از متشکل کردن سازمان‌های غیردولتی زنان را در مصاحبه با مجله پیام زن اینگونه مطرح می‌کند:

«با افتخار برنامه عمل ملی خود را بر اساس رهنمودهای مقام معظم رهبری که برخاسته از اسلام واقعی است، تهیه و تدوین خواهیم کرد. به عبارت دیگر هر کشوری بر اساس نیازهای خود، ۱۲ محور اصلی سند را اولویت‌بندی می‌نماید. مثلاً ممکن است در کشوری، فقرزدایی اولویت اول باشد و اشتغال و اقتصاد، اولویت دوم و الی آخر و در کشور دیگری، دختربچه‌ها اولویت اول قرار گیرند و مبارزه با خشونت، اولویت بعدی. در کشور ما باید حمایت از جایگاه زن در خانواده، رشد آموزش و تحصیلات عالی، زمینه‌سازی برای حضور هر چه بیشتر زنان در فعالیت‌های علمی و آگاهی و مشارکت‌های سیاسی آنان، در اولویت‌های نخست قرار گیرد. اساساً یکی از اهداف ما در این هم آوایی جهانی، همین است که از این رهگذر، دیدگاه‌های اسلام را در قالب راهکارهای عملی برای بهبود وضعیت زنان، پیش‌روی جهانیان قرار دهیم... امیدواریم ارائه برنامه عمل ملی ما، صریح‌ترین و محکم‌ترین پاسخ به تبلیغات سوءتفکر غربی و سکولاریستی، نسبت به جایگاه زن در اسلام باشد و به زنان جهان، کاربردهای عالی و همه جانبه توصیه‌های اسلام را بشناساند...».[4]

**نیروهای انقلابی برای تشکیل گروه‌های غیر دولتی اجتماعی پیشگام شوند**

ایشان حتی معتقد بود جوانان حزب اللهی، با ایجاد سازمان‌های غیردولتی به کمک نظام بیایند و برای حل مشکلات فرهنگی و اجتماعی کشور، به شکل مؤثر وارد شوند. به طوری که در سال ۸۳، در مصاحبه با مجله «حوراء» به این نکته اشاره کرده بود:

«به جای اینکه بچه‌های خوب و حزب اللهی ما بخواهند صورت‌مسئله را پاک کنند، می‌توانند از آن در جهت اعتقادات و آرمان‌های خودشان، سود بگیرند و خودشان بیایند و این مسائل را در دست بگیرند و NGO تشکیل بدهند. وقتی من تاریخ اسلام را می‌خوانم و می‌بینم که پیغمبر اسلام عضو گروه حلف الفضول بوده‌اند که در زمانی پیامبر خود، به عضو بودن در آن گروه افتخار می‌کرده است. شما دقت کنید در اینکه این گروه حلف الفضول، غیر از یک NGO چه بوده است؟ یا در زمان حضرت زهرا (س)، تشکل هایی از زنان وجود داشتند که زیر نظر حضرت زهرا برای حضور در جبهه‌ها و کمک رسانی و عیادت از خانواده‌های شهدا، اولین تشکل‌های زنان در صدر اسلام بودند. جامعه و حکومت، هر روز در حال رویارویی با معضلات و مشکلاتی است و ما حضور و مشارکت مردم را نیاز داریم و نمی‌گوییم که همه مردم، دارای افکاری یکسان هستند، ولی با حضور پررنگ و خوب کسانی که می‌توانند تأثیر صحیح بر جامعه بگذارند، قدم‌های مثبتی را برای رفع معضلات جامعه ما بر خواهند داشت...».[5]

**مواضع انقلابی در فتنه ۸۸**

مرحوم شهلا حبیبی با اینکه رویکرد سیاسی‌اش در سال ۸۸، با حامیان احمدی‌نژاد یکی نبود، اما وقتی بحث تقلب در انتخابات و تهمت زدن به نظام مطرح شد، محکم پای دفاع از نظام و رهبری ایستاد. ایشان در چندین جلسه، از جمله جلسه‌ای که نگارنده این متن در آن حضور داشت، برای دانشجویان و مخاطبان روشنگری کرد و از عدم امکان تقلب گسترده در انتخابات‌های نظام جمهوری اسلامی، سخن گفت.

البته مسلماً این رویکرد خانم حبیبی، به مذاق برخی دوستان قدیمی وی، خوش نمی‌آمد و هم از این روی، تخریب شخصیت و توهین به او را کلید زدند. در آن زمان سابقه دوستی خانم حبیبی با دختران حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی و بعضی از بانوان فعال فرهنگی و سیاسی - که به جبهه اصلاح‌طلبان تعلق داشتند- به بیش از دو دهه می‌رسید. اما این دوستان متأسفانه حرمت دوستی را نگه نداشتند و به نوعی، ایشان را بایکوت کردند!

واقعیت این بود که خط قرمز خانم حبیبی، حفظ نظام جمهوری اسلامی و ولایت فقیه بود. به همین دلیل نیز در سال ۸۸، از دوستان قدیمش جدا شد و پای نظام، رهبری و مواضع انقلابی خویش ایستاد. حتی در سال‌های بعد، هنگامی که او از سوی مرتبطان پیشین خود با انواع بی‌مهری‌ها مواجه شد، دست از اعتقاد و باورهایش نکشید و در مقابل درشت گویی و زخم زبان‌ها و حتی کارشکنی‌های آنها در ارتباط با شبکه ارتباطی سازمان‌های غیردولتی زنان، به تلخی سکوت و صبر پیشه کرد!

**وقتی احمد شهید را مجبور به سکوت کرد**

در سال ۱۳۹۰.ش بود که احمد شهید به عنوان نماینده و گزارشگر ویژه حقوق بشر ایران، از سوی سازمان ملل متحد انتخاب شد. از آنجا که مواضع جانبدارانه و گزارش‌های ضدایرانی او، مورد انتقاد فعالان سیاسی و فرهنگی ایران [با سلایق سیاسی گوناگون] قرار گرفته بود، خانم حبیبی برای آگاهی احمد شهید از وضعیت واقعی زنان ایرانی، نامه‌ای را از سوی هزار سازمان غیردولتی حوزه زنان، خطاب به ایشان آماده کرد. خانم دکتر مریم اردبیلی که همراه خانم حبیبی به ملاقات احمد شهید رفته بود، درباره محتوای این نامه می‌گوید: «در آن نامه ذکر شده بود که زنان ایرانی، توانمند هستند و می‌خواهند زمام امور تغییر و اصلاح را در کشور برعهده بگیرند. ایشان همچنین در آن نامه به نگاه‌های بالا به پایین و نگاه‌های سیاسی حاکم بر مجموعه‌های حقوق بشری، اعتراض کردند...».

ایشان درباره اتفاقات آن جلسه نیز چنین بیان می‌کند: «پاییز سال ۹۰ من و خانم حبیبی، نامه را در ژنو به احمد شهید تقدیم کردیم و بعد هم جلسه‌ای با ایشان داشتیم که در آن جلسه خانم حبیبی، از زبان تشکل‌های زنان، به سیاست‌های تبعیض‌آمیزی که در نهادهای بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی وجود دارد، اعتراض کردند. در آن جلسه احمد شهید، از وضعیت فعالیت‌های غیردولتی منسجم زنان در جمهوری اسلامی، شگفت‌زده شده بود و نمی‌دانست چه باید بگوید؟ چون مثلاً وقتی یک NGO معاند نظام - که در خارج از کشور فعالیت می‌کند- گزارشی ضدحقوق بشری از وضعیت ایران به آنها می‌دهد، آنها هم همان ادعاها را در گزارش‌هایشان انعکاس می‌دهند، اما وقتی شبکه‌ای متشکل از هزار NGO حوزه زنان، بیانیه را به احمد شهید دادند، او بسیار تحت‌تأثیر قرار گرفت و نمی‌دانست چگونه موضع‌گیری کند.[6] گرچه احمد شهید، همچنان به گرفتن مواضع ضدایرانی بعد از آن جلسه ادامه داد، ولی مجبور شد درباره مسائل مربوط به حوزه بانوان و حقوق زنان در نظام جمهوری اسلامی، موضع خود را مقداری تعدیل کند.

**حسرتی که او در دل داشت...**

مرحوم شهلا حبیبی در زمینه فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی خود، فردی بسیار مقتدر و موفق بود. همه به روحیه تلاشگر و خستگی ناپذیرش، در احقاق حقوق اسلامی زنان اعتراف داشتند اما آن بانوی پرتلاش در حیطه زندگی شخصی خود، یک حسرت بزرگ داشت. خانم حبیبی خیلی زود، مادر خود را از دست داده و سرپرستی خواهر و برادرش را به عهده گرفته بود. همه اطرافیان ایشان اذعان داشتند که او برای خواهر و برادرش، در حکم مادر بود. اما حسرت مهم زندگی شخصی خانم حبیبی، به ماجرای مادر شدنش مربوط می‌شد. خانم حبیبی مدتی بعد از ازدواج و در زمانی که فرزندش را باردار بوده، هنگام بازدید از ساختمان در حال ساخت دفتر امور زنان ریاست جمهوری، دچار حادثه شده و فرزندش سقط می‌شود! بعد از آن بسیار علاقه‌مند بود که دوباره صاحب فرزند شود، اما بعد از عارضه قلبی که برایش پیش آمد و عمل قلب بازی که انجام داد؛ دیگر نتوانست صاحب فرزند شود و این مسئله، یکی از حسرت‌های زندگی شخصی او بود. به هر روی اندیشمند پرتلاش خانم شهلا حبیبی، در ۱۵ شهریور ۱۳۹۶.ش بعد از سال‌ها خدمت به نظام جمهوری اسلامی ایران و تلاش برای ارتقای شرایط زنان ایران زمین، به دلیل عارضه قلبی درگذشت و رخ در نقاب خاک کشید. یادش گرامی باد.

**پی‌نوشت:**

*۱- سایت رسمی معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، مقاله «پیشینه ساختاری معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری»، مورخ ۱ شهریور ۱۳۹۳.ش، به نشانی: http://women.gov.ir/fa/news/۲۴۱۱/%D۹%A۶%AC%D۹%DB%B۴%AC%DA%BE%DB%D۹%AV%AA%DA%AE%DA%DA%AV%DA%B۳%DA%AC%DB%B۱%DA-AV*

*۲- سایت رسمی معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، مطلب «نگاهی به فعالیت‌ها و شخصیت مرحوم شهلا حبیبی»، مورخ ۲۱ شهریور ۱۳۹۶.ش*

*۳- مجله «سبا»- نشریه شبکه ارتباطی سازمان‌های غیر دولتی زنان جمهوری اسلامی ایران- شماره ۵، ۲۰ فروردین ۱۳۸۳.ش، مطلب «برای پکن به علاوه ۱۰ چه کرده‌ایم؟»، ص ۵*

*۴- مصاحبه «شهلا حبیبی»- مشاور رئیس‌جمهور- با مجله «پیام زن»، شماره ۶۱، مورخ فروردین ۱۳۷۶.ش*

*۵- مصاحبه شهلا حبیبی» با دوماهنامه «حوراء»، شماره ۶، مورخ مرداد و شهریور ۱۳۸۳.ش*

*۶- سایت رسمی معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، مطلب «نگاهی به فعالیت‌ها و شخصیت مرحوم شهلا حبیبی»، مورخ ۲۱ شهریور ۱۳۹۶.ش، به نشانی: http://women.gov.ir/fa/news/۷۶۷۱/%D۹%A۶%AC%D۹%DB%B۴%AC%DA%BE%DB%D۹%AV%AA%DA%AE%DA%DA%AV%DA%B۳%DA%AC%DB%B۱%DA-AV%D۹%AA%DA%AC%DB%AA%DA%AD%DA%AF%DA%AC%DB%A۴%D۹%AV%DA%B۹%DA%A۱%D۹%AA%D۹%AV%DA%AV%D۹%AC%A۰%E۲%AA%AA%DA%AC%DB%B۵%DA%AE%DA%B۴%DA%AA%D۹%AA%D۹%AD%DA%B۱%DA%A۵%D۹%AV%DA%A۴%D۹%AV%D۹%B۴%DA%AC%DB%AA%DA%AC%DB%AA%DA%AD%DA%A۸%D۹